

راجع بتوضیح معاملات بیمه

در بیمه زراعتی قیمت مال را قانون سرخرمن معین کرده است برای فهمیدن این موضوع باید در نظر داشت که مقصود از بیمه زراعتی یعنی زراعتی که کاشته شده و صاحب آن میخواید تا برداشت محصول و بردن مال به انبار خود از هر گونه آفتی تا مین نمایم پس اگر من صد خروار پنبه کاشته و آنرا بیمه کرده باشم و سیل آنرا ببرد بیمه گر مسئول آن است ولی تا میزان چه مبلغ قیمت محصول این پنبه فقط در سرخرمن معلوم خواهد شد بعد از تعیین آن مخارج بازحمتیکه صاحب محصول میبایستی تحمل کند تا محصول انبارش وارد شود از قیمت پنبه سرخرمن کسر و بقیه را میبرد از بند انبار این مخارج یا قیمت زحمت مربوط باین خواهد بود که محصول در چه حال و چه وقتی از بین رفته است - بند آخر ماده ۲۲ همین مطلب مخارج و زحمت را مقرر میدارد.

ماده ۲۳ - مربوط است به بیمه عمر و نقص و شکستن عضو - هیچ يك از اصولیکه ما تا بحال گفتیم غیر از موضوع صداقت در معامله در این شعب بیمه قابل اجراء نیست و تفاوتهای بین اصول آن با سایر شعب بیمه از قرار ذیل است :

آ - اولاً مبلغ بیمه که با اصطلاح فنی سرمایه بیمه شده میگویند (و عبارت از مبالغی است که بیمه گر پرداخت آن را در صورت وقوع حادثه تعهد مینماید) قطعی است مثلاً فلان شخص خود را بیمه میکند که در صورت فوتش بیمه گر فلان مبلغ را بپردازد اگر کور شد برای يك چشم فلان مبلغ را تادیه نماید اگر دست یا پایش شکست فلان مبلغ را بپردازند - قانون میگوید مبلغ مزبور در موقع عقد قرارداد باید بطور قطع معین شده باشد بنابراین بیمه گذار برخلاف اصلیکه در سایر شعب مقرر داشته است میخواید مبلغ مسئولیت بیمه گر در این شعب

قبلاً معین باشد - علت این تعیین قطعی مبلغ و اختلاف اصل با سایر شعب بیمه این است که در سایر شعب موضوع راجع بمال است و تعیین مبلغ خسارت اشکال ندارد ولی عمر یا کور شدن یا ناقص شدن دست کسی مال نیست که بتوان قیمت نمود مال در همه جا مال است و قیمت معینی دارد - ولی برای يك رقاصه یا چشم يك نقاش و یا زبان يك و کیلی قیمت معین عرفی بازاری نمیتواند داشته باشد باین دلیل هم قیمت آن باید قبلاً به رضایت طرفین تعیین شده باشد و این قیمت قطعی و غیر قابل بحث است و بعد از وقوع حادثه اعتراض بردار نیست ولی طرفین رضایت و قبل از وقوع حادثه میتوانند آنرا بالا ببرند.

بند دوم این ماده بیمه کردن عمر یا مخاطرات بدنی ثالث را بدون اجازه او باطل میدانند - علت این بطلان این است که بیمه مبادا علت کلاه برداری یا حادثه بشود - در دو سال قبل در یکی از شهرهای فرانسه دندان سازی حجر فئار عدالت شد که متدرجاً چهار زن گرفته عمر آنها را بیمه کرده خود را هم ذینفع در سرمایه بیمه شده قرارداد و بتدریج آنها را مسموم نموده کشته و سرمایه بیمه شده را از مؤسسات بیمه دریافت کرده بود.

بند چهارم این ماده مربوط به بیمه جماعتی است مثلاً کارخانه صد نفر کارگر دارد و برای حفظ حیات یا تمامیت بدنی آنها بیمه منعقد مینماید - این بیمه جماعتی معلوم نیست مربوط به چه اشخاصی است فقط معلوم است که مربوط به کارگران فسلان کارخانه است و بنا بر این ذینفع بیمه مذکور بطور مشخص معلوم نبوده بیمه شده کارگری است که در نتیجه کار در آن کارخانه آسیب به بیند - باین دلیل مقنن مقرر میدارد که بیمه مذکور طبق تعرفه خواهد بود که قبلاً طرفین معین نموده اند.

ماده ۲۴ - در بیمه عمر تعلق سرمایه بیمه شده را

بورده میدانند مگر اینکه در سند بیمه قید دیگری شده باشد این قید دیگر یک نوع حلی است که بیمه گذار قبلاً نموده است و قانون گذار میل دارد مقسود بیمه گذار انجام شود.

ماده ۲۵ - حقیکه قانون گذار با ای تغییر ذینفع به بیمه گذار داده است حقی است قانونی نظر اینکه هر کس در مال خود مختار است ولی اگر بیمه گذار ذینفع را تغییر و بیمه نامه را هم باو تسامیم کرد دیگر تغییری نمیتواند بدهد و انتقال قطعی است - علت آن این است که وقتی اصل - مند بدیگری منتقل و تسلیم شده است ملک او است ولی اجازه اوقال تغییراتی نمیباید - معلوم است مورد رضایت خارج از این ماده است و طرفین یعنی بیمه گز و منتقل الیه میتوانند معامله خود را فسخ نمایند - این قدغن قانون دلو گیری مینماید از اینکه صاحب بیمه نامه یکدفعه آنرا انتقال داده و دفعه دیگری بتواند نسبت به آن معامله باحلی دیگر بنماید .

ماده ۲۶ - محتاج بتوضیح نیست .

ماده ۲۷ - بیمه عمر را دو نوع میتوان ملاحظه کرد یا این است که بیمه گذار سالیانه مبلغی پرداخته و قرار میگنجدارد که چنانچه در مدت مذکوره در بیمه نامه فوت کند فلان مبلغ را بیمه گر بپردازد یا خود را برای مدتی بیمه مینماید مثلاً تا سن شصت سالگی و قرار میشود سرمایه بیمه شده را بپردازد - و چنانچه به سن شصت سالگی رسید سرمایه بیمه شده را خود نقداً دریافت کند .

ماده ۲۷ فقط در موضوع فوت بیمه گذار سخن میراند ولی همین اثری که قانون گذار برای فوت بیمه گذار قائل است همین اثر را هم باید برای انقضاء مدت بیمه قائل بود - علت آن این است که در بیمه عمر طبقه دوم مذکوره فوت دو قضیه بیمه گذار یا قائم مقام او را از بیمه گر طلب کار میکند یا فوت یا انقضاء مدت .

حمله دوم مال از معامله بیمه گذار نسبت به سرمایه بیمه شده سخن میراند و معاملات او را صحیح میدانند موضوع این است که معمولاً مؤسسات بیمه حاضر میشوند

که مبلغی از بابت سرمایه بیمه شده به تناسب اقساطیکه بیمه گذار پرداخته است به بیمه شده قرض بدهند - مثلاً فلان شخص عمر خود را صد هزار ریال برای مدت بیست سال بیمه کرده است و ده سال اقساط بیمه را پرداخته است گوییم مجموع پرداختی پنجاه هزار ریال باشد - این شخص حق دارد بابت تنزیل کمی بقصداری از بیمه گر قرض کند (مقدار مزبور و تنزیل آن ممکن است در شرکتهای متفاوت باشد) این قرض را بیمه گر به اعتبار همان اقساط پرداختی میدهد و بنا بر این طبیعی است که چنانچه بیمه گر فوت کرد یا مدت بیمه منقضی شد یعنی مدفع مطالبه سرمایه بیمه رسید و شرکت موظف به پرداخت بود در انصورت طلبیکه از بابت استقراض از بیمه شده دارد تهاتر کرده بقیه را بپردازد .

ماده ۲۸ - این ماده بطور کلی خسارت حاصله از حمله و شورش خارج از معامله بیمه میدانند مگر خلاف آن در قرا داد بیمه قید شده باشد - دلیل این استثناء آن این است که خطر یک بیمه میشود عبارت از خطری است که در نتیجه حوادث معمولی پیش آید مثلاً فوت در نتیجه مرض یا بابت اتفاقی دیگر ولی خطر مرگ در حمله و شورش بابت خطر فوق العاده است و باین علت - زو بیمه عمر یا بیمه حوادث وارد نیست .

ماده ۲۹ - میگوید در مورد بیمه مال منقول در صورت وقوع حادثه و پرداخت خسارت به بیمه گذار بیمه گر از هر گونه مسئولیت در مقابل ثالث بری میشود - توضیح این ماده از قرار ذیل است :

بطوریکه گفته شد بیمه گر باید ذینفع در بیمه مال بوده باشد این اصل در مواقع مطالبه خسارت هم صدق مینماید یعنی مطالبه کنندنده خسارت هم باید ذینفع در مال بیمه شده بوده باشد و الا حق مطالبه نخواهد داشت ولی تعیین این مطلب عملی است متکلی معمولاً مطالبه کنندنده خسارت شخصی است که بیمه نامه در بد خود دارد که یا از روز اول در بد داشته یا بعد از راه نقل و انتقال به بد او رسیده است . ناتمام دکتر آقاییان